بسم الله الرحمن الرحیم

شماره 1: کاروان عشق

مقدمه

محرم شروع می شود، همه آماده می شوند؛ هر کسی که شوری در سر دارد و عشقی در دل، از آنچه در ادای ادب به آستان حضرتش می شناسد کوتاهی نمی کند. امسال هم تلاش می کنیم تا با یاری خدای متعال و عنایات حضرت این بضاعت کم خود را که حاصل یک احساس مسئولیت و تعهد قلبی است، خالصانه پیشکش شما ارادتمندان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نماییم. اللهم تقبل هذا

نشریه «راه عشق» در دهه اول محرم به صورت روزشمار توسط دوستان شما در کانون فرهنگی هنری توحید مسجد فاطمة زهراعلیها سلام تهیه شده و شما عزیزان برای تهیه آن می توانید با شماره 09192853452 تماس حاصل و یا به [www.mashghetowhid.blog.ir](http://www.mashghetowhid.blog.ir) مراجعه کنید. به علت وجود اسماء متبرکه در نشریه در حفظ آن کوشا باشید.

 این نشریه از محل کمک های مردمی منتشر می شود، در صورت تمایل به کمک و مشارکت در اجر معنوی این امر خدا پسندانه می توانید وجوه خود را به شماره حساب 2108057281 نزد بانک تجارت شعبه شهدا(قابل واریز در تمام شعب و خودپردازهای تجارت) به نام کانون توحید واریز فرمایید. لطفا با ارتباط با سامانه 500029226408 و یا صندوق gmail.com raheshgh1393@ما را از انتقادات و پیشنهادات خود محروم نفرمایید. در این ایام التماس دعا.

«کاروان عشق»

کاروانیان شش ماهی بود که ترک کاشانه کرده بودند؛ «دست» از محبت غیر شسته و «دل» از زن و فرزند بریده بودند... در اشتیاق همراهی ولی خدا «دست و دل» باز شده بودند! گاه نفس ها به شماره می افتاد ... از خستگی .. از دلهره یا اضطراب.. اما به لذتش می ارزید... چه افتخاری بالاتر از بیشتر نفس کشیدن در محضر فرزند فاطمه سلام الله علیهما؟؟؟

پاهاشان منزل به منزل جای پای سلاله رسول صلی الله علیه و آله را پر می کرد و دل هاشان لحظه به لحظه از محبت او لبریز می شد، و این عشق امام بود که با دستان مهربان خود جان نفیسش را به جان آنها گره می زد.

مکتب، مکتب عشق بود و راه، راه عشق... مگر نه این بود که عزم ها را برای ابتلایی عظیم جزم کرده بودند و مگر نه این بود که عرصة امتحان انتظارشان را می کشید؟ سپس ناگزیر بودند از آماده شدن ... باید اندک اندک پرده ها کنار می رفت و جلوه ها پدیدار می شد... کاروان در منزل فرود آمد ... آن را «حزیمیه» می نامیدند... شب را به صبح رساندند...

صبح هنگام، خواهر امام علیه السلام(زینب کبری علیها سلام) به محضر برادر رسید تا حال شبی را که گذشت گزارش دهد. عرضه داشت: برادر جان می خواهی آنچه را که شب گذشته شنیدم به اطلاعتان برسانم... اذن صادر شد؛

عرضه داشت از هاتفی شنیدم که می گفت: ای چشم! بکوش و از اشک لبریز شو؛ کیست که بعد از من بر این شهید زاری کند؟ بر جماعتی که مرگ،«راه بلد» آنهاست...آنها را با خود می برد تا وعده او تحقق یابد... در این هنگام مهر تأیید امام بود که رؤیا را به صدق مزین نمود...(با کمی تصرف:مقتل جامع ج1، 646 )

«محبوب ترین نزد خدا و مردم»

در نگاه به واقعه عاشورا گاهی غفلت از نکاتی موجب می شود که حرکت سیدالشهداءعلیه السلام را کم ارزش تلقی کنیم و ابعاد آن را خوب درک نکنیم. یکی از این موارد، غفلت از جایگاه اجتماعی امام حسین علیه السلام است. گاهی تصور می شود که حضرت یک فرد گمنام و عادی بود که بیعت کردن و نکردنش فرقی نداشت؛ یا مثلا گفته می شود کسی که صد یار هم نداشت چطور می خواست تعیین کننده جریان اسلامی باشد. در صورتی که می توان به جرأت به گواه تاریخ گفت که ایشان محبوب ترین شخصیت جامعه اسلامی در زمان خود بود. یزید به صورت ویژه به دنبال بیعت با ایشان بود زیرا می دانست که اگر ایشان بیعت کند کار تمام است. البته در کنار ایشان افرادی چون عبدالله بن زبیر هم بودند اما خود عبدالله هم می دانست که تا حضرت در حجاز است، او جایگاهی ندارد و برای همین بسیار مایل بود که امام از حجاز خارج شود. حاکم مدینه در نامه ای به ابن زیاد می نویسد:«شنیدم حسین(علیه السلام) به عراق می آید و او محبوب ترینِ مردم نزد مردم است» این سخن یک استاندار است و قطعا حاکی از محبوبیت امام در حوزه حکومت اوست. معاویه که حاکم تمام بلد اسلامی است، به یزید توصیه می کند با حسین علیه السلام مدارا کند چرا که حساب او از بقیه جداست. **او محبوب ترین مردم نزد مردم است**. دقت کنیم که امام در جامعه ای محبوب ترین فرد است که در آن سلیقه ها و اعتقادات متفاوت و گاه متضاد وجو دارد. آری شهید کربلا فرد گمنامی نبود و اگر تقوای فردی و گروهی رعایت نشود با چنین شخصیتی چنان می شود. برماست که با رعایت تقوا از سرمایه های اجتماعیمان حراست کنیم.

«مروی گذرا بر تاریخ واقعه»

امام حسین(علیه السلام) در اول محرم61 از محل اقامت خود در «بنی مقاتل»، برای اقامت درمحل مناسبی‏، از نینوا بسوی کربلا حرکت کردند. به کربلا که رسیدند با حالی گریان دستور به پیاده شدن از مرکب ها داده و فرمودند: اینجا محل ریختن خون ما و محل قبور ماست. و همینجا قبور ما زیارت خواهد شد... .روزسوم شخصی از سوی عمر سعد خدمت امام رسید و علت آمدن ایشان را جویا شد؛ حضرت فرمود: مردم شهر شما به من نامه نوشته و مرا دعوت کرده اند و اگر از آمدنم ناخوشنودید، بازخواهم گشت. چهارم محرم بود که عبیدالله بن زیاد با سخنرانی خود در مسجد کوفه سپاهی قریب به15هزار جنگجو را به سوی کربلا فرستاد. البته عده ای در بین راه از لشکر دشمن فرارکردند. روز ششم حبیب نزد طایفه ای از بنی سعد رفت و گفت:«امروز از من فرمان برید و به یاری حسین(ع) بشتابید تا شرف دنیا وآخرت ازآن شما باشد».تعداد90 نفر به پاخاستند ولی با مقابله عمرسعد پراکنده شده و برگشتند. روزسه شنبه عمرسعد نامه ای از عبیدالله دریافت کرد که با سپاهیان خود بین سپاه امام و آب فرات فاصله بیندازد، به طوریکه حتی قطره ای آب به ایشان نرسد...روز چهارشنبه امام یاران را دعوت به صبر کرده و به بهشت وعده دادند؛ روز پنجشنبه امام حسین(ع) توسط حضرت عباس(ع) از دشمن یک شب را برای راز و نیاز مهلت میگیرند و گروهی از لشکر عمرسعد به سپاه امام می پیوندند. روز دهم گرچه سپاه دشمن به خیمه ها نزدیک می شد، ولی حضرت تیری نمی انداخت، چون می فرمود: دوست ندارم که آغازگر جنگ با این گروه باشم. عمرسعد تیر را به سوی یاران امام انداخت و گفت: «گواه باشید که اول کسی بودم که به سوی لشکرحسین تیر انداختم!» آنگاه... .

معادباوری1

بسیار شده است که کارهایی را می دانیم که درست است ولی انجام نمی دهیم. از همین جا معلوم می شود که دانستن لزوما مقدمه عمل کردن نیست. ولی بعضی از دانستن ها به محض آمدنشان موجب می شوند که آدمی به آن عمل کند. مثل اینکه بدانیم این غذا مسموم است قطعا از خوردن آن پرهیز می کنیم. به این نوع از دانش ها که مبنای عمل ما واقع می شوند «باور» می گویند. سوالی که پیش می آید این است چرا بعضی از علم ها تبدیل به باور می شود ولی بعضی در حد علم باقی می ماند به عبارت دیگر چه کنیم که دانش های ما تبدیل به باور شود. چه کنیم وقتی می دانیم دروغ یعنی آسیب به خود و آتش کشیدن وجود خود، دیگر دروغ نگوییم؟ چه شد که وقتی بسیاری از کوفیان می دانستند حق با حسین علیه السلام است باز هم حاضر به یاری ایشان نشدند. می دانستند دشمنی با نوة پیامبر سقوط در آتش است ولی راضی به این کار شدند.

می دانیم که وجود انسان یک وجود خنثی نیست اقتضائاتی دارد.مثل سنگ که اقتضا دارد به سمت پایین بیاید یا دود که به سمت بالا برود. وجود انسان هم خودش را دوست دارد پس از آنچه به او آسیب می زند فراری است و آنچه او را بهرمند کند را می خواهد و به سمتش حرکت می کند. اما مگر آسیب و عذاب جهنم به انسان بی اثر است؟ پس چرا در عمل از آن نمی هراسد. جا دارد که هر یک از ما خوب در این مطلب تفکر کنیم.

شهادت یاحکومت؟!

آخر مگر میشود هر چه داری از زن و بچه و مال گرفته تا جان شیرینت را برداری و ببری جایی که میدانی تکه تکه میشوی؟! بگذار آدمها کار خودشان را بکنند تو هم کار خودت را، خدا خودش میداند آخرت با بدها چه کند!

.....خودم را که میخواهم جای تو بگذارم شیطان وسوسه ام میکند تا «تو» نباشم ولی آنقدرمیدانم که؛ نامه های فدایت شوم کوفی ها که رسید گذشته ی آنها را در ذهن گذراندی؛ انگار همین دیروز بود که برای نرفتن به جنگ آنقدر بهانه های بنی اسراییلی گرفتند که پدرت تنها ماند...حالا دوباره دارد تاریخ تکرار میشود و تو اکنون باید این تاریخ را بسازی؛ یا قصد حکومت کن تا یک عصر طلایی آغاز شود یا بگذار کسی دیگر حاکم شود تا بشر تا آخر، سرافکنده بماند! البته برای حکومت کردن هم یا باید با دشمنانت صلح کنی یا بجنگی؛ اگر صلح کنی آنها میشوند آتش زیر خاکستر و اگر بجنگی و کشته شوی" حقیقت" زنده میشود و این یعنی پیروزی!

وقتی هدف، شهادت باشد و اگر تدبیر و تقدیر خداوند، شهادت توست جای چانه زدن و فلسفه بافی نیست همینکه شهادتت، تابلوی مسیرآدم ها شود، خودش حکومت بر تاریخ است!

اصلا کسی که جانش را برای خدایی شدن مردم ندهد لیاقت حکومت بر آنها را ندارد؛ شهادت،زمینه ساز حکومت خداست. گیرم که هدف شما حکومت باشد؛ چه کسی بهتر ازیاران خدا که خدا را با حکومت کردنشان راضی کنند؟! فرقی نمیکندیاران خدا 72تن مرد باشند یا کاروانی از زنان و کودکان!

شما مأمور به جنگ نشدی، مجبور به جنگ شدی؛ اصلاح طلبی شما جز با آخرین مرحله ی امر بمعروف ونهی از منکر محقق نمیشد. برای شما"خدا"حرف اول و آخررا می زند.خدا نتیجه ی شما را غرق در خون شدن می خواست......

«... و لاتفرقوا ...»

ما شیعیان به خصوص شیعیان مرکز نشین به علت عدم ارتباط با جامعه اهل سنت از یک طرف و وجود افراط گرایی در بخشی از جامعه اهل سنت که عمدتا برآمده از تفکر وهابیت می باشند، تصور کاملی از جامعه اهل سنت نداریم. خیال می کنیم عمده اهل سنت با اهل بیت علیهم السلام عناد دارند و شیعیان را دشمن خود می دانند. البته متاسفانه جریان شیعه هراسی در جامعه اهل سنت مثل جریان سنی هراسی در جامعه ما به شدت در حال فعالیت است تا هر چقدر می تواند برادران دینی را روبروی هم قرار دهد و کمر امت اسلام را بشکند. اما جریانات ناب و اصیل و پرطرفداری در میان بزرگان اهل سنت هستند که حقیقت را درک و دشمن اصلی را فراموش نکرده اند. مهندس یوسف ندا که حدود 60 سال از اعضاء اصلی اخوان المسلمین است می نویسد: «از ديگر اصول ثابت در انديشه اخوان آن است كه حضرت علي ـ (علیه السلام) ـ صالح ترين و پرهيزكارترين شخص در ميان خلفاي راشدين بود و اين موضوع، يك حقيقت تاريخي ثابتي است كه اخوان آن را از خود نقل نمي كنند. همچنين در برابر منش فاخر و سخنان و كردار بانو فاطمه زهرا و زينب(علیهماالسلام) و اصل و نسب شان، واكنشي به جز احترام و تكريم نمي توان داشت و سرورمان امام حسن(علیه السلام)، از نظر اخلاق و دين و علم و نسب، بزرگ و بلندمرتبه بود و امام حسين(علیه السلام) با شرافت و تقوا زندگي كرد و با شهادت از اين دنيا رخت بربست. ايشان والاترين نمونه در دفاع از دين و شهادت در راه خدا بود.»

برگرفته از سایت استاد سیدهادی خسروشاهی

**موانع قیام امام حسین علیه السلام در عصر معاویه**

حکومت معاویه دوره ای تاریک در تاریخ اسلام به شمار می رود که بزرگترین بدعت ها در آن دوره پایه ریزی شد و یزید ملعون نیز فرزند چنین پدری بود. با وجود چنین اوضاع اسفناکی بنابر ملاحظاتی قیام مسلحانه در آن زمان به صلاح نبود در ادامه به دو عامل مهم برای این امر اشاره می شود:

1. پیمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه: اگر امام حسین علیه السلام در این دوره قیام می نمود معاویه نیز می توانست با متهم ساختن ایشان به تقض پیمان، سوء استفاده کند. چون همه ی مردم می دانستند که امام حسن و امام حسین علیهما السلام متعهد شده اند که تا وقتی که معاویه زنده است سکوت کند.
2. ظاهر سازی دینی معاویه: معاویه اسلام را تحریف می کرد اما هیچگاه سعی نمی کرد تا ظاهر حکومتش غیر دینی جلوه کند از این رو او همیشه سعی می کرد به اعمالش رنگ دینی بدهد تا نزد مردم شایسته ی خلافت باشد. بنابراین اگر امام حسین علیه السلام در زمان او قیامی مسلحانه می کرد وی به آسانی می توانست آن را در افکار عمومی یک اختلاف سیاسی و کشمکش بر سر قدرت و حکومت معرفی کند، نه قیام حق در برابر باطل!

البته امام علیه السلام در این دوران ساکت نبودند و با روش های چون: نگارش نامه های اعتراض آمیز به ولیعهدی یزید و سایر مفاسد موجود، خطابه های کوبنده به ویژه در مراسم حج سال قبل از مرگ معاویه، ضبط بیت المال به نفع مستمندان و... نشان دادند که با شجاعت تمام از همه ظرفیت ها برای مقابله با ظلم استفاده کردند.

مرد خدا

در این شماره بیاد یار دیرین امام(ره) و رهبری معظم انقلاب، مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی قسمتی از توصیه هی ایشان را ذکر می کنیم؛ راهش پر رهرو و یادش گرامی!

انسان عزت را دوست دارد مقام را دوست دارد دلش می خواهد در جامعه عزیز باشد و همه به او احترام بگذارند. اما باید دو کار را نکند یکی آنکه دنبال مقام نرود بلکه دیگران به دنبال او بیایند قاعده آن است که انسان به دنبال پست و مقام نگردد و دیگری آنکه اگر دستش به مقامی رسید قاعده آن است که صالح باشد در آن مقام سوء استفاده نکند. اشکالی ندارد به مقام برسید اما به شرطی که بتوانید خودتان را کنترل کنید اما این چیزی نیست که با صحبت و شعار بدست بیاید بلکه با دین و اخلاق بدست می آید. آن شعاری که در دل رسوخ پپیدا کند مؤثر است و این ریاضت می خواهد.

راه خدا را ادامه دهید. ما می‌رویم ولی آنچه موجب امید ما است، این است که شما راه را ادامه دهید. اگر هدف را فراموش نکردید، بهترین تقدیر را انجام داده‌اید. بدانید اسلام باقی است. انقلاب باقی است. تشیع باقی است. رهبری باقی است و ما باید زیر این پرچم سینه بزنیم ولو اینکه تحولاتی در زندگی پیدا شود و مشکلاتی باشد. خدا به همه شما خیر و سعادت و عزت و سربلندی عنایت کند. موفق باشید و خداوند کارهای شما را مورد قبول قرار دهد و همه مشمول دعاهای خاص حضرت ولی عصر سلام الله علیه باشید.

مسابقه شماره1

سؤالات زیر از مطالب موجود در نشریه امروز مطرح شده و شما با پاسخ صحیح به این سؤالات می توانید به قید قرعه یکی از برندگان باشید. لطفا پاسخ صحیح را به صورت یک عدد 4 رقمی به سامانه 500029226408 ارسال فرمایید.

توضیح: از چپ به راست عدد اول نشانگر شماره نشریه(روز اول:1)، و گزینه صحیح هر سؤال به ترتیب سؤالات می باشد.

سوال اول: کدامیک از موارد زیر از علل قیام نظامی نکردن امام حسین علیه السلام در زمان معاویه نیست؟

1- ظاهر سازی دینی معاویه 2- توصیه قبایل عرب 3- پیمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه

سؤال دوم: این سخن از کدامیک از اصحاب است:«به یاری حسین(علیه السلام) بشتابید تا شرف دنیا وآخرت ازآن شما باشد»؟

1- عون 2- زهیر 3- حبیب بن مظاهر

سؤال سوم: ؟

1- 2- 3-

اسامی برندگان در روز 24 آبان ماه به نشانی [www.mashghetowhid.blog.ir](http://www.mashghetowhid.blog.ir) منتشر خواهد شد.